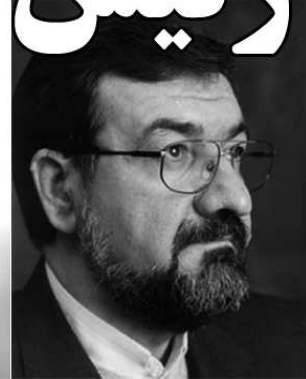
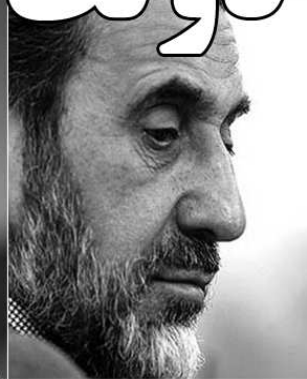




رئیس دولت دهم؟



گروه سیاسی: در حالی وارد واپسین زمستان دولت نهم می شویم که مزمه های زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری دهم مدتی است به گوش می رسد. اگر چه تا کنون تنها مهدی کروبی کاندیداتوری خود را در انتخابات آینده اعلام کرده است اما وجود کاندیداهای بالقوه ای در دو جریان سیاسی اصلی کشور هوداست. با وجود اینکه تاکنون تنها یک سیاست مدار حضور قطعی خود را در انتخابات اعلام کرده است اما حضور رئیس جمهور فعلی، محمود احمدی نژاد، نیز در انتخابات آینده قطعی به نظر می رسد. نکته مهمی که در اردوگاه راستگرایان خودنمایی می کند، اظهارات برخی از سران بلندپایه اصولگرا در مورد کاندیدای نهایی جبهه اصولگرایان است. محمدرضا باهنر که در سالهای اول دولت نهم از حامیان مهم احمدی نژاد در مجلس به شمار می رفت، در مصاحبه با هفته نامه شهروند امروز اعلام کرد احمدی نژاد تنها کاندیدای اصولگرایان برای انتخابات آتی نیست. در میان چهره های مطرح اصولگرا محمדיاقر قالیباف، علی اکبر ولایتی، محسن رضائی، غلامعلی حدادعادل و... از افرادی هستند که احتمال حضور آنها در انتخابات آینده منتفی نیست. در جناح مقابل-اصلاح طلبان- گذشته از مهدی کروبی که انتخابات آینده به لحاظ شرایط سنی آخرین امکان برای حضور وی در جایگاه ریاست جمهوری به حساب می آید، می توان از نخست وزیر سابق میرحسین موسوی، محمدرضا عارف معاون اول خاتمی، عبدالله نوری اولین وزیر کشور دولت اصلاحات و سید محمدخاتمی رئیس جمهور پیشین نام برد. عبدالله نوری که در نیمه دوم دهه هفتاد توسط مجلس راستگرای پنجم استیضاح شد و سپس به زندان رفت از شانس بسیار کمی برای عبور از فیلتر شورای نگهبان و تایید صلاحیت برخوردار است. سید محمد خاتمی که پیش از این دو دوره ریاست جمهوری را تجربه کرده است تردیدهای جدی ای برای حضور در انتخابات آینده

اگر توسعه یافتگی یک نهاده پر اهمیت برای یک ملت باشد، و اگر دغدغه نخبگان آگاه این ملک، فهماندن این مهم باشد، باید سراغ مولفه هایی رفت که حضور و بروز نشان های توسعه و پیشرفت را زودتر نمایان سازند، که بداندن که ایستادن تنها راه نیست. صراط مستقیم، همان

مدبرانه است. اقتصاد زیر بناست. زیر بنا بودن آن را دیگر نیاز به عدله نیست،(که امام علی(ع)، خود گویا و روشن گفته است: *وقتی فقر از دری وارد میشود، ایمان از در دیگر بیرون میرود.* اینجاست که سرمایه گذاری و رسیدن به تولید ارزان تر، بهینه تر و رفاه آمیزتر، یک نیاز جامعه دین دار است. آیا آنگاه که رفاه داریم و تورم بروزی در مصرف و تولید ندارد بهتر نمی توانیم مومن باشیم؟ و آیا اینگونه خرد آزادتر نیست برای تعقل در رفتار و اعمال؟

اگر بخواهیم جوامع در بدو سرمایه داری در غرب را -که تفکیک تاریخ مدرنیته از آن غیر ممکن است- نشان دهیم به یک تیپ انسانی بر خورد می کنیم که تحت تاثیر فرهنگ پورتیاتی(کارگری) و عوامل دیگر چهره ای کوشا، پارسا ، صرفه جو ، و منضبط و اقتدارمنش دارا می باشد. چنین تیبی به بهترین شکل مقتضیات سرمایه داری در حال رشد را که دغدغه اصلی اش انباشت سرمایه با بالاترین توان برای تحقق توسعه و رسیدن به آرمان های جامعه خودش است را نشان می دهد. درست است که تزلزل هایی برای این تیپ و این جوامع پیش می آید اما هرگز توسعه و رشد از کف نمی رود .

آگاهان، آگاهند که سرمایه بزرگترین مولفه و ستون سترگ رشد و توسعه اقتصادی و به دنبال آن توسعه فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی است. و بر همین اساس است که در علم اقتصاد یکی از اهداف اقتصاد کلان، رشد و توسعه اقتصادی است. بر همین اساس ، دستیابی به رشد بالنده اقتصادی هدفی است که تمامی دولتها و برنامه ریزان اقتصادی در جهان بر آن تاکید دارند و از طرفی در تمامی نظریات و الگوهای رشد جوامع ، سرمایه به عنوان موتور محرکه و عامل قوی برای رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است. در ایران نیز با توجه به عدم کارایی سرمایه های موجود دولتی -به دلیل عدم به کارگیری صحیح و کار کارشناسانه و نیاز شناسانه ی به روز و عدم استفاده از تکنولوژی روز - استفاده از ماشین الات کهنه و قدیمی در جریان تولید و همچنین نرخ رشد جمعیت حدود ۴ درصدی در دهه ۶۰ و بازسازی ویرانی های ناشی از جنگ از یک طرف، و همسویی و همپایی با روند شتابان رشد اقتصادی در جنوب شرق اسیا از طرف دیگر و بر آمدن مشکلات عدیده داخلی و خارجی و نیز سردی رابطه اقتصادی با دول جهانی ، نیاز به سرمایه گذاری بیش از پیش احساس می شود.

در دهه اخیر نیز با وجود جمعیت ۷۰ میلیونی ایران و با توجه به اینکه اکثر این جمعیت جوان هستند و موج دوم رشد جمعیتی نیز در انتظار ایران خواهد بود ، از یک سو برای پاسخ گوی و ایجاد اشتغال نیاز های این طیف جوان جمعیتی و برای مواجهه درست با موج دوم جمعیتی آینده که در چند سال اخیر رخ خواهد داد، نیازمند صنایع و تولیدات گوناگونی هستیم تا پیش از این محتاج تولیدات و تکنولوژی خارجی باشیم.

روند درآمد و هزینه سرمایه گذاری در سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ نشان می دهد تا سال ۱۳۸۳ میزان عواید حاصل از سرمایه گذاری اشخاص غیرمقیم در داخل اقتصاد ملی بیش از عواید حاصل از سرمایه گذاری اشخاص مقیم ایران در خارج از اقتصاد ایران بوده است اما از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ روند معکوس شده و میزان درآمد سرمایه گذاران ایرانی در خارج از کشور

ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر ملک حسینی

معاونت محترم فرهنگی جناب آقای بیرقی

بدینوسیله از مساعدات شما در تسهیل روند انتشار نشریات مستقل دانشجویی و کمک به شکل گیری فضای پرشور و بانشاط در دانشگاه کمال تشکر را داریم و امیدواریم با ادامه همین روند، فضایی سالم برای نقد و تضارب آراء در دانشگاه بوجود آید.

انجمن پیشگامان اندیشه

فرا رسیدن دهه محرم را به عموم شیعیان سوخته دل تسلیت عرض می نمایم.

یادداشت اول

محمدصادق دالوندی

دانشگاه و سیاست

(الف) دانشگاه سیاسی

۱- وقتی های دانشجوی سیاسی و فعالیت سیاسی دانشجویان و از آن مهمتر دانشگاه سیاسی به میان می آید، دو نوع نگاه شکل می گیرد. یکی اصل موضوع را ترد می کند و با دلایل و برهاین خاص از فعالیت سیاسی دانشجویان انتقاد می کند. در مقابل، نگاهی دیگر بر این است که گذشته از اینکه فعالیت سیاسی یک «حق» قانونی و مشروع برای دانشجویان و جامعه دانشگاهی به حساب می آید، فواید زیادی نیز بر آن مترتب است. حتی می شود پا را از این فراتر گذاشت و ضمن تایید نگاه دوم، فعالیت سیاسی دانشجویان را یک وظیفه و تکلیف اجتماعی گریز ناپذیر معرفی کرد.

۲- هویت بنیادین و ذاتی دانشگاه با علم پیوند مشخصی دارد. اساسا علم از نهاد دانشگاه قابل تفکیک نیست. بنابراین از بحث در مورد هویت علمی دانشگاه به عنوان پیش فرض صحیح و اثبات شده خودداری می کنیم و با پذیرش نقش اصلی دانشگاه به عنوان تولید کننده علم به دیگر وظایف نهاد دانشگاه در جامعه ایرانی می پردازیم.

۳- از نقطه نظر تاریخی رفتار دانشگاه از بدو تاسیس در ایران، همواره توام با احساس مسولیت در قبال جامعه و کشور بوده است. شکل گیری جنبش دانشجویی به عنوان مهمترین جریان اجتماعی دانشگاهیان و خدمات با ارزش دانشجویان به جامعه ایران، حکایت از حساسیت دانشگاه نسبت به وظایف اجتماعی خویش دارد. دستگیری ۵۳ نفر در ۱۳۱۶، حادثه ۱۶ آذر ۳۲، درگیری خونین رژیم پهلوی و دانشجویان در ۱۳ آبان ۵۷ و ... همگی واقعیات عینی هستند که بر اصالت رفتار سیاسی دانشجویان تاکید دارد.

۴- در یک کشور جهان سومی شبیه ایران و در غیاب احزاب قوی و ساختارمند که توان نمایندگی افکار عمومی جامعه را داشته باشند، جنبشهای اجتماعی این خلاء را پر می کنند. مطالبات جنبش دانشجویی ایران، از همان ابتدا همواره برشی از مطالبات جامعه ایران بوده و هست و در واقع و به ناچار بار سازمان های توسعه یافته سیاسی و اجتماعی را به دوش می کشد.

(ب) دانشگاه منهای سیاست

اگر در صحت چهار گزاره فوق تردید نکنیم و بپذیریم که دانشگاه گذشته از وظیفه ذاتی تولید علم و تربیت متخصص وظایف اجتماعی دیگری نیز دارد، درک لزوم فعالیت سیاسی دانشجویان ساده تر خواهد بود.

از طرفی دیگر باید به یک مساله اساسی و مهم دیگر نیز توجه داشت. طرفداران نظریه دانشگاه منهای سیاست با اعتقاد به غیر سیاسی نگه داشتن دانشگاه، آینده کشور را با چالشی جدی مواجه می کنند. دانش آموخته و متخصصی که در محیطی غیرسیاسی به تحصیل پرداخته باشد و در دوران تحصیل علم، از تحصیل واقعیات جامعه خود محروم بوده باشد، چگونه خواهد توانست در بزنگاههای حساس، تصمیمات صحیحی را برای کمک به جامعه خود اتخاذ کند؟ پرسش صریح و صحیح تر این خواهد بود که دانش منهای بینش چقدر راهگشا خواهد بود؟

(ج) دانشگاه سلمان ساز

علم و عالم متعهد در محیط به دور از واقعیات اعتقادی و اجتماعی رشد پیدا نخواهد کرد. علم و عالم بی تعهد به جهل و جاهل برتری ندارد. تاریخ گواهی معتبری بر این داعیه بوده و خواهد بود.

دانشگاه باید «سلمان» بسازد؛ ترکیبی از دانش و بینش. در غیر اینصورت اگر عمر و عاص نپرورد، بیشتر از ابوموسی اشعری نیز بیرون نخواهد داد و آنگاه در قائله های مکرر صفین در تاریخ، به سادگی بیرون کردن انگشتری از دست، علی(ع) را از حکومت خلع خواهد کرد.

دانشگاهی می تواند «سلمان» بپروراند که گذشته از محیط مساعد آموزشی، فضایی آزاد برای نقد و تضارب آراء و افکار، اندیشه ها و اعتقادات فراهم کرده باشد.
○

خبر

سختگویی دولت: حفظ حکومت از جان امام

زمان (عج) مهم تر است

به گزارش «شیعه نیوز» به نقل از روزنامه کارگزاران، سختگویی دولت با اشاره به حکومت حضرت علی (ع) گفت : حکومت ابزار قدرت است و اگر اقتدار نباشد نمی توانیم حکومت را برقرار کنیم لذا وقتی حکومت مستقر است حفظ ان برای حضرت علی (ع) جدی است در حقیقت حکومت یک عقیده و یک جنگ جدی برای اقامه عدل است که باید برای چنین اقتداری جدی بود و جلوی یک اقتدار منفی ایستادگی کرد. وی ادامه داد: بنده این تعبیر را به شکل دیگری نقل کردم که برای یک عده تعجب اور بود ، گفتم : حفظ حکومت از جان امام زمان (عج) مهم تر است . چون امام هم جان خود را فدای حکومت میکند چون حکومت ابزاری برای بر قراری دین و اسلام است.

زمان دقیق ثبت نام آزمون کارشناسی ارشد

دانشگاه آزاد اسلامی

رییس مرکز آزمون دانشگاه آزاد اسلامی از آغاز ثبت‌نام آزمون کارشناسی ارشد سال ۸۸ دانشگاه آزاد از ۲۶ دی ماه و آزمون سراسری دانشگاه آزاد از ۱۵ بهمن خبر داد. به گزارش خبرنگار صنفی آموزشی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، مهندس امرالله سجادی جعفری، گفت: ثبت نام آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تا ۷ بهمن ماه ادامه دارد. وی با اشاره به میزان ظرفیت پذیرش دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، گفت: حدود ۳۲ هزار نفر در این آزمون پذیرفته می‌شوند.

ریاست جمهوری دارد. خاتمی معتقد است بالارفتن سطح توقعات عمومی جامعه در دوره دولت نهم از یک سو و وضعیت اقتصادی نامطلوب از سوی دیگر، کار را برای رئیس جمهور بعدی به شدت دشوار کرده است. میرحسین موسوی اگرچه اظهار نظر صریحی پیرامون حضور و یا عدم حضور در انتخابات آینده ریاست جمهوری نداشته است،

اما اخبار غیر رسمی از احتمال حضور جدی وی در صورت عدم حضور خاتمی خیر می دهند. محمدرضا عارف و محمد علی نجفی دیگر افرادی هستند که در غیاب خاتمی حضورشان در انتخابات پیش رو محتمل است. اگرچه احتمال حضور افراد دیگری که اکنون در لیست کاندیداهای احتمالی جایی ندارند، منتفی نیست اما کاندیداهای مطرح در جبهه اصلاحات خاتمی، کروبی، نوری و موسوی و در جبهه اصولگرایان احمدی نژاد، قالیباف، ولایتی و رضائی از پایگاه سیاسی برتری نسبت به دیگران برخوردارند. بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند در صورت حضور سید محمد خاتمی در انتخابات پیش رو، انتخابات به دوقطبی خاتمی-احمدی نژاد بدل خواهد شد و انسجام نیروهای سیاسی در هر دو جناح محتمل تر خواهد بود. خاتمی تاکنون صراحتا از حضور و یا عدم حضور سخن نگفته است و پاسخ را به بررسی بیشتر شرایط موکول کرده است.

متأسفانه در ایران به لحاظ فقدان نظرسنجی های علمی که نمایانگر خواستههای واقعی جامعه ایرانی باشد، هرگونه پیش بینی تفاوتی با پیش گویی نخواهد داشت و می تواند در نهایت کم ترین قرابت را با نظر افکار عمومی داشته باشد. بنابراین رای مردم در انتخابات بیست و دوم خرداد همانطور که می تواند تکرار کننده دوم خرداد ۷۶ و یا بیست و هفتم خرداد ۸۴ باشد، می تواند بار دیگر سوم تیری را رقم بزند و مردی گم نام و یا کمتر شناخته شده را بر رقبای شناخته شده پیروز گرداند.
○

بیشتر از درآمد سرمایه گذاران غیرمقیم در ایران شده است.

به گزارش روزنامه سرمایه و طبق آمار درآمد و هزینه سرمایه گذاری به نقل از موازنه پرداخت های بانک مرکزی و نماگرهای اقتصادی، در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ عواید سرمایه گذاری افراد خارجی و غیرمقیم در ایران

بیشتر از عواید سرمایه گذاری ایرانیان در خارج بوده و جذابیت سرمایه گذاری در ایران به ترتیب ۲۶۵ میلیون دلار در سال ۸۲ و ۲۱۱ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ بیش از جذابیت سرمایه گذاری ایرانیان در خارج بوده است. اما از سال ۱۳۸۴ به بعد، به ترتیب ۹۱ میلیون دلار در سال ۸۴ و ۲۹۸ میلیون دلار در سال ۸۵ و ۵۳۶ میلیون دلار تفاوت بین درآمد سرمایه گذاری با هزینه سرمایه گذاری بوده و ایرانیان علاقه بیشتری به سرمایه گذاری در خارج از کشور نسبت به سرمایه گذاری خارجی ها در ایران نشان داده‌اند.

نتیجه آنکه به رغم افزایش حجم سرمایه گذاری های ایرانیان در خارج از ایران و خارجی ها در ایران، موازنه سرمایه گذاری که در سال ۸۲ به نفع اقتصاد ایران بوده با چرخشی ۱۸۰ درجه به نفع اقتصادهای دیگر تغییر جهت داده است. میزان عواید حاصل از سرمایه گذاری اشخاص مقیم و غیرمقیم در داخل و خارج از کشور نشان می دهد درآمد سرمایه گذاری ایرانیان در خارج از کشور بیش از درآمد سرمایه گذاران خارجی درایران است. حمایت از سرمایه گذاران، اطمینان از وجوه کارایی و شفافیت بازار، افزایش نقدشوندگی بازار، ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاران و شرکت ها، تقویت بازار و ارتقای فرهنگ سهامداری یک الزام است.

مدیریت سرمایه محوری، به معنای توسعه بستری امن برای سرمایه دار است. به یقین این است که سرمایه دار به منفعت خویش می اندیشد اما باید انگاشته شود که به حتم در کنار منفعت او رشد و منفعت جامعه پیرامون آن سرمایه نیز کسب خواهد شد. حضور سرمایه متاثر از حرف و آمار و سخنرانی به تنهایی نیست بلکه از عمل و

عینیات است. سرمایه دار خود واقف به امور است و نیاز به گزارش ندارد، هرچند سخنرانی ها نیز امیدوار کننده نیستند و تشنج ساز برای بازارند. گوهر سخن خود می تواند اگر تدبیر شود آرامش را تزریق سازد اما چه کنیم که دیگر سخن در و گوهریست، کم یاب . دولت فقط و فقط باید بر جنبه های قانونی کار کند و جنبه های بستر سازی و اینکه نظارت کند که سرمایه دار بر خلاف قوانین حرکت نکند نه آنکه خود بستر را متشنج سازد و به ناچار خود سرمایه گذاری کند که همواره این سرمایه گذاری های دولتی اثر بخشی چندانی نداشته است. عنصر سرمایه محتاج و وابسته امنیت و تسهیل در امر قانونی، سیاسی و فرهنگی است که این همه باز نیازمند زمینه هایی به نام مردمسالاری و قانون محوری است. این سخن به صدق است که ملتی که در تمام سطوح، آزادی انتخاب مسئولین خود را دارد باید بتواند آزادی انتخاب کالا و خدمات با کیفیت مطلوب را داشته باشد. سازو کار بازار آزاد اینگونست که اگر فضای مناسب را پیش رو خود داشته باشد و دولت وظیفه نظارت را به طور مدبرانه اجرا کند، نوسان شدید در اقتصاد آزاد دیده نخواهد شد.

ومن اکنون در گستره این فکر قوطه ور شده ام که با تو ای سرمایه محرک و جان ساز چه کنم؟ آیا به مانند گروهی به مکاتب ایسمی بپیوندم. گاهی مارکسیست شوم و از تو حزر کنم و گاهی لیبرال شوم و چون بتی بپرستم و یا نه از همه این مکاتب دوری جویم واز زاویه نگاه یک قایقران تنها، که یکده در دریای مواج جامعه گم شده است به امید آرامش تو چشم به افق بدوزم. هر چند اکنون زمستان است و افق قبل آنکه رنگ پذیرد سیاه می شود.
○



اندیشه‌آزاد

<div>www.rowzane.org</div>	<div>انریشه</div>
<div>محمدرضارافع</div>	

مردی از کویر

–بخش دوم–

یکی از اقدامات نظام پهلوی اول و دوم، فرستادن دانشجو به خارج از کشور برای تحصیل بود. این امر از یک سو، نوعی امتیاز برای نخبگان علمی کشور و نیز وابستگی آن‌ها به رژیم می شد و از سوی دیگر، آن‌ها را به سمت و سوی غرب و تجدد سوق می داد. گرایش به سوی غرب همراه با تطابق، پالایش و پردازش تجدد و سنت نبود، بلکه عمدتاً، غرب‌گرایی مصادف با سنت زدگی و دین زدگی بود. در این روند که در زمان نظام پهلوی رایج بود، برخی گروهها و شخصیت های مخالف جریان نیز ظاهر می شدند که از آن میان دکتر علی شریعتی از معرفی، بی نیاز است. وی در جذب جوانان و دانشجویان به فرهنگ اصیل اسلامی بسیار تاثیر گذار بود. حسینیه ی ارشاد، با ورود شریعتی، محل جدی ترین مباحث اسلامی روز، با شرکت پر شور جوانان کشور بود. شناخت دقیق و کامل دکتر شریعتی از فرهنگ غرب و شرق امکان باز اندیشی در سنت ها را برای وی میسر کرد. دکتر در عین حال که اندیشمندی خلاق بود و دیگران را به اندیشیدن و تحقیق وا می داشت، فعال، انقلابی و جدی نیز بود. اندیشه پردازی و عمل گرایی توانمان، از وی شخصیت بر جسته ای ساخته است. از آن جا که دکتر علی شریعتی از آغاز کودکی تا پایان دوره ی تحصیلات دانشگاهی در محیط های متفاوتی به سر برده و تحت تاثیر فضاهای تربیتی و فرهنگ های متنوعی قرار گرفته و طبعاً این محیط های گوناگون در شکل گیری شخصیت و اندیشه های وی تاثیر بسزایی داشته است، لازم می نماید مختصری از زندگی نامه و محیط های تربیتی وی بررسی شود. دوران زندگی و شکل گیری شخصیت و اندیشه های شریعتی را به مراحل زیر می توان تقسیم کرد:
۱– دوره ی کودکی ۲– دوره ی نوجوانی ۳– دوره ی جوانی و تحصیل در دانشگاه مشهد ۴– دوره ی تحصیل در فرانسه ۵– بازگشت به ایران و دوره ی فعالیت های تربیتی – فرهنگی – سیاسی در داخل کشور ۶– شهادت دکتر علی شریعتی به دست مزدوران رژیم پهلوی.

۱– دوره ی کودکی

شریعتی در دوره ی کودکی تحت تاثیر مستقیم خانواده و پدرش قرار داشت. خاندان شریعتی از علمای بنام مذهبی بودند. پدرش محمد تقی از علمای پیشرو، مبارز و بنیان گذار«کانون نشر حقایق اسلامی» بود. محیط اجتماعی دوره ی کودکی وی ترکیبی از بی سوادی، خرافات، فقر، سلطه ی خارجی و استثمار محرومان توسط طبقات ممتاز بود. پدرش محمد تقی، در اواسط دهه ی ۱۳۳۰ از طرفداران جبهه ی ملی و مخالف رژیم شاه به شمار می رفت؛ بنابراین می توان دریافت که علی ضمن تحصیلات مقدماتی– مذهبی نزد پدر، با الفبای سیاست و مبارزات اجتماعی نیز آشنا شد و در عین حال محرومیت ها و ستم های اجتماعی و فقر حاکم بر توده ی مردم و جامعه را از نزدیک ملاحظه و لمس می کرد. شریعتی در یکی از آثارش به نام کویر، ایام کودکی به ویژه تاثیر پدر را بر خود و تکوین شخصیت خویش بازگو می نماید. شریعتی در سال ۱۳۱۴ در روستای مزیان، کنار کویر دیده به جهان گشود. مادرش زنی روستایی و پدرش مردی اهل قلم ومذهبی بود. از همان آغاز در محیط مذهبی و روحانی، رشد و نمو کرد. پدرش نخستین معلم وی بود. علی دوره ی مقدماتی و متوسطه ی تحصیلات دینی را نزد پدر گذراند. در سال ۱۳۱۹ –در سن هفت سالگی– در دیستان ابن‌یمین در مشهد، ثبت نام کرد اما به دلیل اوضاع سیاسی و تبعید رضاخان و اشغال کشور توسط متفقین، استاد (پدر دکتر)، خانواده را بار دیگر به مزیان فرستاد. علی پس از برقراری صلح نسبی در مشهد به ابن یمین برمی‌گردد. در اواخر دوره دیستان و اوائل دوره دبیرستان رفت و آمد او و خانواده به ده به دلیل مشغولیت‌های استاد کم می‌شود. در این دوران تمام سرگرمی دکتر مطالعه و گذراندن اوقات خود در کتابخانه پدر بود. دکتر در ۱۶ سالگی سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و وارد دانش سرای مقدماتی شد. او قصد داشت تحصیلاتش را ادامه دهد.

در سال ۳۱، اولین بازداشت او رخ داد و این اولین رویارویی او و نظام حکومتی بود. این بازداشت طولانی نبود ولی تاثیرات زیادی در زندگی آینده او گذاشت. در این زمان فصلی نو در زندگی او آغاز شد، فصلی که به تدریج از او روشنفکری مسئول و حساس نسبت به سرنوشت ملتساخت.

حسین (ع) بیشتر از آب، تشنه لبیک بود، افسوس که به جای افکارش زخمهای تنش را نشانمان دادند و بزرگترین دردش را بی آبی نامیدند.
دکتر علی شریعتی

در خصوص فعالیت‌های دانشجویی و سیاسی در سطح دانشگاهها اساساً می‌توان دو رویکرد عمده را قائل بود، نگارنده می‌کوشد با بیان مختصری از این دو رویکرد به تاثیر هر یک بر فضای عمومی به صورت کلی بپردازد.

رویکرد اول که من آن را رویکردی محدودنگر و انحصارطلب در ساحت دانشگاه می‌نامم، تمامی وجهه همت خویش را بستن فضای سیاسی و فرهنگی دانشگاه قرار می‌دهد، این رویکرد هرگونه فعالیت دانشجویی مستقل را سرکوب می‌کند و مخالف شکل‌گیری کانونها و انجمنها و نشریات مستقل است، به عبارتی این رویکرد می‌کوشد تا با برقراری سکوت در سطح دانشگاه‌ها، بدون تحمل کوچکترین هزینه‌ای مدیریت خویش را استحکام بخشد. مشکل عمده‌ای که این رویکرد با آن مواجه است، شکل‌گیری اعتراضات تند به شکل غیر قابل پیش‌بینی و غیرقابل مدیریت در سطح دانشگاه‌ها است. باتیان این رویکرد که اجازه شکل‌گیری هرگونه نهاد دانشجویی را جهت متشکل کردن دانشجویان و کانالیزه کردن اعتراضات دانشجویی نمی‌دهند، در درازمدت هزینه فراوانی را به نظام جمهوری اسلامی تحمیل می‌کنند. متأسفانه در طی سالهای اخیر نحوه برخورد با فعالیتهای مستقل دانشجویی تا حدودی مؤید وجود این رویکرد و دیدگاه در بین برخی مسئولین دانشگاه‌ها و برخی نهادهای دانشجویی ارزشمدار بوده است. چرا که برخی در سطح دانشگاه نه تنها از فعالیت‌های دانشجویی که به طراوت و پرشور شدن فضای دانشگاه می‌انجامد، استقبال نمی‌کنند، بلکه با مانع‌تراشی و کارشکنی در برابر هرگونه فعالیت مستقل دانشجویی می‌ایستند. البته دغدغهٔ بنیان این دیدگاه متفاوت است، در این میان برخی تنها نگرانی‌شان حفظ وضع موجود است و برخی دیگر به علت تعلقات جناحی فعالیت آزاد دانشجویی را برنمی‌تابند.

اما به راستی آیا بستن فضای دانشگاه به نفع کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران است؟ و آیا جلوگیری از فعالیت‌های دانشجویی به عاملی جهت زیرزمینی شدن و رادیکال شدن فعالیتهای نمی‌انجامد؟ اینها سؤالاتی است که باید بنیان و حامیان بستن فضای دانشگاه به آن پاسخ دهند.

مطلب دیگری که ذکر آن را در اینجا لازم می‌دانم توجه به سیره عملی و نقطه نظرات مقام معظم رهبری در خصوص فعالیتهای دانشجویی است که نگارنده این نقطه نظرات و دیدگاهها را فصل‌الخطاب می‌داند و معتقد است هر دیدگاهی خلاف این دیدگاه‌ها نمی‌تواند ادعای اعتقاد به جمهوری اسلامی داشته باشد.

در اینجا برای نمونه و جهت نشان دادن اعتقاد معظم‌له به وجود و ضرورت فضای باز دانشگاهها به ذکر پاره‌ای از بیانات ایشان می‌پردازم که در پی می‌آید:

«همه سلیقه‌ها و مذاقها، وقتی که اهل دین و معرفتند باید بتوانند در این محیط(دانشگاه) زندگی کنند، نباید یک فرد بر فرد دیگری فشار بیاورد که «شما حتما این طور که من فکر می‌کنم، فکر کن!» لذاست که تشکل‌های دانشجویی باید باشند و هر کدام کار خودشان را بکنند، همه کار کنند و همه هم خوب کار کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان ۷۲/۹/۲۴)

«بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان، چه دختر و چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید، گیرم که تحلیلی هم

هر بار در کتابخانه دیدگانم به کتاب «فاطمه فاطمه است» بر میخورم، شگرف در معنای ژرف آن می شوم که اگر حتی فاطمه از محمد(ص)نبود نه همسر علی(ع)نه مادرحسین(ع) باز هم تاریخ آنچنان به قلم فرسایی در شکوه ومعنا شناسی نصیرت فاطمه کتاب‌ها می نگاشت که کس تاب آن نمی آورد از او همه چیز باندن و ابعاد متعددی از شخصیت او در پس حجاب مستور میماند. زیرا فاطمه فاطمه است. این تعبیر شاعرانه دکتر علی شریعتی آنقدر استوار است چون نیک دیده ور شویم تنها در چار چوب اهل بیت افرادی شایسته این تعبیر می یابیم اما اگر قصد به وسعت و بسط این دیدگاه رفیع داشته باشیم این دایره معرفت از آن پرگار الهی تنگ تر از قبل میشود. با نگاهی اجمالی به بزرگان تاریخ افراد معدودی را در خور آن می یابیم از این جمله علامه سید محمد حسین طباطبایی است که فارق و رها از هر دسته و گروهی بی آنکه جز قرآن و دانش والای خود دیگر به جایی متصل باشد حتی به لباس شریف روحانیت آنچنان گرمی است که استاد شهریار در مدح او چنین می گوید:

علامه ما طباطبایی، تنها نه شکو فه شهر تبریز

این شعشه کوکی است دری،بر طاق سپهر حکمت آویز

علامه طباطبایی از پیشگامان و جلوداران پویای فلسفه و کلام اسلامی در جهان اسلام است و به نوعی می‌توان او را از نواندیشان و نو آورانی دانست که نخستین بار مباحث عقلی و فلسفی رابه حوزه کشاند و بنیان گذار نقد و سپس تفسیر قرآن در قم بود.علامه شخصیتی آرمان گرا که در پی رسیدن به مدینه فاضله ای که در آن اندیشمندان و مبتکران و مخترعان و قهرمانان فکری فرهنگی آن دارای ارزش بسیار والا باشند از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرد. در آن زمان که اندیشه های مادبین و ماتریالیست ها رونق بسیار داشت و اندیشمندان مارکسیست با تبلیغات و بیان معقولات خود در محیط جامعه بیش از پیش قصد اثبات حقایقت خود را داشتند. حزب توده در ایران به تازگی جان دوباره ای یافته چپ گرایان در حالی که می دیدند هیچ عالمی جرات مقابله با آنان را ندارد و در فضای اجتماعی می تاختند.تنها این علامه بودکه با مشقت های فراوان به تدریس اسفار ملاصدرا درمسجد سلسالی پرداخت. درابتدای امر با شیفتگی وعلاقه طلاب روبه رو شد آنچنان که در اول روز بیش از صد طلبه دریای درس او حاضر بودند. این هنگامی بود که هنوز مدت زمان زیادی ازعزیمت او به قم نگذشته و به تازگی درس خارج فقه و اصول را رها کرده بود. همواره ایشان میفرمودند: در این دوران می بایست طلاب در بطن این علوم عقلاتی قرار بگیرند تاوتوان رویارویی و همآوردی با مادی گرایان را داشته باشند. این فعالیت های علامه در عصری صورت می پذیرفت که فلسفه چندان خوشایند ونبیک نام نبود به کام بسیاری خوش نمی آمد و بیشتر ترجیح بر آن بود که همان علوم نقلی و روایی رواج داشته باشد.

قضیه به اینجا ختم نشد وباجوسازی های فراوان عده ای خشکه مذهب به تشویش فضای حوزه پرداختند هباهوهای زیادی در حوزه برپا شد آیت... بروجردی که خود پیش از این سری در علوم

اندیشه آزاد

گاهنامه تحلیلی، سیاسی، فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد اراک
صاحب امتیاز: **انجمن پیشگامان اندیشه**
مدیر مسول: محمدصادق دالوندی
دبیر تحریریه: محمدرضا رافع

دفتر تحریریه: مجتمع قائم مقام، ساختمان علم الهدی، طبقه سوم
تلفن: ۰۹۳۷۰۱۶۲۵۸۹

روزنه

www.rowzane.org

پایگاه خبری انجمن پیشگامان اندیشه

۲

بدهید که خلاف واقع باشد، باشد! خدا لعنت کند آن دستهایی را که تلاش کردند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیرسیاسی کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزش و دانشجویان ۷۲/۰۸/۱۲)
«فرض کنید در دانشگاه یک مساله سیاسی مطرح می‌شود که مورد اختلاف‌نظر است چه مانعی دارد؟ از انسانهای صاحب اندیشه و فکر درخواست شود که بیایند و در یک محیط آرام با همدیگر بحث و صحبت کنند، از آنها خواسته شود که به مساله علمی نگاه کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها ۸۱/۰۹/۰۷)

حال با توجه به دیدگاه آزاداندیشانه مقام معظم رهبری جای بسی تامل است آنهایی که مدعی پیروی از نظام جمهوری اسلامی هستند چطور در مسیر ایجاد محدودیت در مسیر فعالیتهای مسالمت‌آمیز دانشجویی گام برمی‌دارند؟ و آیا نباید نسبت به صداقت اینها در اعتقاد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه تردید داشت؟

نکته‌ای دیگر که بیان آن را در توضیح و بسط دیدگاه اول لازم می‌دانم، برخی موضع‌گیری‌های نهادهای دانشجویی ارزش‌مدار به صورت آشکار و پنهان در مواجهه با نهادهای مستقل دانشجویی است. نگرانی بنده از اینجاست که این نهادها که بایستی در واقع پشتیبان فعالیتهای دانشجویی و فضای پرنشاط دانشگاه باشند، به دلیل تعلقات سیاسی و جناحی، موضع‌گیری‌های خویش را به اغراض سیاسی و جناحی آلوده سازند و با تمسک به برخی ارزشها سعی نمایند رقبای سیاسی خویش را از صحنه دانشگاه‌ها حذف نمایند. البته چنانچه این اتفاق بیافتد اخلاق ضربه سنگینی در سطح دانشگاه‌ها متحمل خواهد شد، و اعتماد دانشجویان از مدعیان ارزش‌مداری سلب خواهد شد.

اما رویکرد دوم که من آن را رویکرد مثبت و فرصت نگر به فعالیتهای دانشجویی می‌نامم، نه تنها فعالیت دانشجویی را تهدید نمی‌داند بلکه می‌کوشد با تشویق فعالیتهای دانشجویی متنوع شور و نشاط و انرژی متراکم دانشجویان را در سطح دانشگاه تخلیه نماید. این رویکرد می‌کوشد تا با تکثر و تنوع کانونهای فرهنگی وتشکلهای سیاسی، نشریات، انجمنهای علمی و برگزاری محافل و مجالس ادبی، علمی و سیاسی نیاز اقشار مختلف دانشجویان را برآورده سازد، بطوریکه این فعالیت‌ها طیف‌های مختلف دانشجویان را در بر گیرد. در واقع این دیدگاه سعی می‌کند تا به جای سکوت، شور و نشاط و امید را در دانشگاه حاکم نماید و از این طریق حس احترام را در دانشجو شکوفا نماید.

معتقدین به این دیدگاه نه تنها شجاعت باز کردن فضای دانشگاه را دارند بلکه قدرت مدیریت جریانات سیاسی معتقد به نظام را نیز دارا می‌باشند، به عبارتی این دیدگاه یکسره هرگونه فعالیت سیاسی را منع نمی‌کند بلکه به آن جهت می‌دهد و آن را مدیریت می‌کند.

این دیدگاه مثل برخی نمی‌کوشد تا با بستن فضای دانشگاه و محدود ساختن جریانات دانشجویی، دانشجویان را وجه المصلحه امتیاز گیری نماید، بلکه با امکان دادن به نگرش‌های مختلف، حضور نگرشها و عقاید مختلف سیاسی در چارچوب نظام را به رسمیت می‌شناسد.

به هر روی مقایسه این دو رویکرد به خوبی نشانگر این مطلب است که ما در حال حاضر در کجا ایستاده‌ایم؟ و چقدر راه در پیش داریم؟

عقلی داشت و در نجف سالیان زیادی فلسفه درس داده بود برای آرام کردن فضا مجبور شد دستور به تعطیلی جلسات بدهد بعد از وقفه ای چند ماهه جلسات از سر گرفته شد و از پس این درس‌ها فرهیختگانی چون:سید حسین نصر– امام موسی صدر– مرتضی مطهری– جوادی آملی جعفر سبحانی– دکتر شایگان– سید جلال الدین آشتیانی و… بزرگ بالیدند. البته از میان آنان حسین نصر از نزدیک ترین شاگردان علامه بود که به نوعی سبب آشنایی ایشان با پروفسر هانری کربن شرق شناس اسلام شناس و فیلسوف بزرگ فرانسوی شد. این فصل جدیدی درتاریخ فلسفه و زندگی پر بار علامه بود. از پاییز ۱۹۵۸ تا ۲۵ سال بعد مطالعات ازقبیل تفسیر قرآن شرح حافظ و اسفار ادامه یافت.

از جمله کتب فلسفی ایشان که به اصرار نصر نوشته شد و امروز از کتاب های رایج درسی قم است: بدایت الحکمه و نهایت الحکمه (۶جلد) و اصول فلسفه و روش رئالیسم (۵جلد) که به مباحث اختلافی اسلام و مارکسیست پرداخته است وشیعه در اسلام– رساله قوه وفعل– رساله درائیات ذات– رساله در مغالطه و ترکیب تحلیل اعتباریات و… اشاره کرد.

مجموعه فعالیت ها و دستاوردهای علامه هر چند که ما ایشان را به عنوان یک فیلسوف می شناسیم به فلسفه منتهی نبود. ایشان در ضمن اینگونه فعالیت ها دست به کار عظیم و عزیزی زدند و آن تفسیر المیزان است که بزرگترین میراث و هدیه علامه به جمیع مسلمین جهان اعم از شیعه و سنی و به تعبیر استاد مطهری افضل تفاسیر از صدر اسلام تا کنون است. کتابت این تفسیر در سال ۱۳۳۳آغاز و در سال ۱۳۵۰ پایان یافت. زندگی چندین ساله ایشان در نجف و آموختن دروس حوزوی از استادان فهیمی چون آقا قاضی طباطبایی پسر عمویشان سبب شده بود ایشان مهارت و چیره زبانی بسیاری در ادبیات عرب داشته باشد نوشتن تفسیری کاربردی و معتبر برای جهان اسلام مزید برعلت شد تا تفسیر به زبان عربی در ۲۰ جلد نگارش شود.علامه پایه گذار روشی نوین در تفسیر قرآن است که به نام تفسیر آیه به آیه مشهور می باشد. به خلاصه اگر گوئیم ایشان از دیدگاه دکتر علی شریعتی در کتاب بازگشت به خویشتن اینگونه معرفی میشود :
(طباطبایی گویی سقراط است که نشسته و گرداگردش را شاگردان گرفته اند تا از این اقیانوس عظیم افکار و عواطف گونه گونه ای که فرهنگ اسلامی و شیعی را ساخته است جرعه ای بنوشند. چه روحی و قدرتی به او چنین استحکام شخصیت و استقلال فکری بخشیده است؟ او نماینده تاریخ و تمدنی عظیم و گنجینه ای گران بها از افکار فلسفی نبوغ انسانی و معنویت های اخلاقی و احساس ها و زیبایی های شگفت عرفانی و هنری و ادبی است. بر کوهی از فرهنگ بشری تکیه زده)

علامه در پایان عمر با برکتشان حالات بسیار عجیبی داشتند که به تفصیل شاگردان ایشان در کتب

و مقالات خود نقل کرده اند.

سرنجام این روح بلند در روز ۲۴ آبان سال ۶۰ به ملکوت اعلی پیوست. روحش شاد.

فعالیت دانشجویی، فرصت یا تهدید

حامد خوانساری

مقام معظم رهبری:

خدا لعنت کند آن

دستهایی را که تلاش

کردند و می‌کنند که

قشر جوان و دانشگاه

ما را غیرسیاسی

کنند.

علامه، علامه است

علی لطیفی



اند تا از این اقیانوس عظیم افکار و عواطف گونه گونه ای که فرهنگ اسلامی و شیعی را ساخته است جرعه ای بنوشند. چه روحی و قدرتی به او چنین استحکام شخصیت و استقلال فکری بخشیده است؟ او نماینده تاریخ و تمدنی عظیم و گنجینه ای گران بها از افکار فلسفی نبوغ انسانی و معنویت های اخلاقی و احساس ها و زیبایی های شگفت عرفانی و هنری و ادبی است. بر کوهی از فرهنگ بشری تکیه زده)

علامه در پایان عمر با برکتشان حالات بسیار عجیبی داشتند که به تفصیل شاگردان ایشان در کتب

و مقالات خود نقل کرده اند.

سرنجام این روح بلند در روز ۲۴ آبان سال ۶۰ به ملکوت اعلی پیوست. روحش شاد.

به اطلاع کلیه دانشجویان محترم می رساند

انجمن پیشگامان اندیشه

از علاقه مندان به فعالیتهای دانشجویی در حوزه های مختلف

سیاسی، صنفی و فرهنگی

دعوت به همکاری می نماید.

جهت عضویت می توانید به مجتمع قائم مقام، ساختمان علم الهدی طبقه سوم و یا شهرک دانشگاهی، ساختمان زبان طبقه چهارم مراجعه فرمایید.

